

شفاف‌سازی کنش بین اندیشه(ذهن) و اثر(عین) در معماری دوره ساسانیان

دکتر نسیم اشرفی**، دکتر محمد نقی‌زاده***

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۴/۲۱ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۰۳/۰۴

چکیده

در حرکت اندیشه به اثر (آفرینش) و بالعکس از اثر به اندیشه (شناخت)، چرخه‌ای ایجاد می‌شود که تمدن ظهور می‌کند. در طول تاریخ ایران، اندیشه دینی - اسطوره‌ای به عنوان اندیشه کل با راهبری سایر اندیشه‌ها یعنی اندیشه فلسفی، عرفانی و سیاسی، خلق صورت‌های یک تمدن را سبب می‌شده است. پژوهش حاضر سعی بر این دارد با تکیه بر رویکرد تحلیلی - توصیفی دوره ساسانیان، روح زمان دوره را بر اساس کنش بین اندیشه‌های مذکور مشخص نماید و نقش هر اندیشه را در صورت دهی به معماری نظم‌گرا و قطب محور مورد تبیین قرار دهد به طوری که روح زمان در جامعه ساسانی را احیاء تفکر ایران شهبهری و صورت تاریخی آن را بازگشت به هویت ایرانی بیان کرده و آنچه که بیش از هر چیز از اهمیت بالایی در این دوره برخوردار است تقدم اندیشه بر اثر است که منجر به خلق نوآوری معماری گشته است.

واژه‌های کلیدی

اندیشه دینی، اندیشه فلسفی، اندیشه عرفانی، اندیشه سیاسی، اثر معماری، دوره ساسانیان

*استادیار، گروه هنر و معماری، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، پردیس، ایران. (مسئول مکاتبات)

Email: Nasim_aiandehnegar@yahoo.com

** استادیار، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: Dr_mnaghizadeh@yahoo.com

مقدمه

فرهنگ هر جامعه و تمدنی ناشی از تأثیرپذیری اندیشه‌های مختلف در حوزه‌های مختلف آن جامعه است. موضوع به دوره طلایی هنر و فرهنگ ایرانی و فرهنگ ایرانی-اسلامی باز می‌گردد. آنگاه که اجزاء گوناگون فرهنگ با یکدیگر رابطه‌ای تنگاتنگ و چندسویه داشتند. به عبارتی آثار هنری و معماری دوره‌ها را نمی‌توان به صورت منفرد مورد بررسی قرار داد و هر دوره را محدود به چارچوب اندیشه‌های آن دوره کرد؛ چراکه اندیشه و اثر، در هر دوره‌ای حاصل سیری از گذشته بوده و در این بین یک چیز به عنوان کل، همه اندیشه‌ها و آثار را در بر می‌گرفت. کلی که نمی‌توان آن را به اجزایش تجزیه کرد و آن همان تفکر اسطوره‌ای-دینی است. اندیشه کل(دین) فقط مجموع اجزایش (اندیشه عرفانی، فلسفی، سیاسی) نیست، بلکه بیشتر ساختاری است که رابطه متقابل اجزا با یکدیگر و اجزا با کل حاصل می‌شود، این ساختار بیان‌گر یگانگی ارتباط پویایی است که در آن هر جزء مشارکت دارد و در انجام امور سهیم است (کاسیرر، ۱۳۷۸، ۱۰۹). اندیشه دینی به عنوان یک کل راهبر ۳ اندیشه مطرح در هر فرهنگی است که با کنش و واکنش بر همدیگر، خلق صورت‌ها را به همراه دارند. اندیشه‌های سه‌گانه که شامل: (۱) اندیشه فلسفی؛ (۲) اندیشه عرفانی؛ (۳) اندیشه سیاسی، می‌باشند که با تأثیرپذیری از یکدیگر، در خلق آثار هنری، معماری و ادبی نقش مهمی را ایفا می‌کنند. هر یک از این ۳ اندیشه دارای دو نوع تعلق می‌باشند، تعلق فطری و خدایی و تعلق دیگر تعلقی است ناشی از شرایط تاریخی که در بازه‌ها و دوران‌های مختلف تاریخی ایجاد می‌شده است. (شکل ۱)



شکل ۱. جایگاه اندیشه کل(دین) و ۳ اندیشه محصور در کل(دین) در جامعه ایران قبل از مدرن

روش پژوهش

پژوهش حاضر به عنوان یک پژوهش کیفی با مطالعه موردی بر دوره ساسانیان سعی بر این دارد با تعریف اندیشه‌های سه‌گانه، از تأثیرپذیری هریک در این دوره نکاتی را به‌دست آورد که بتواند کنش بین آن اندیشه‌ها و آثار معماری دوره را مورد واکاوی قرار دهد و صورت معماری و صورت تاریخی آن دوره را با مطالعه اندیشه‌های آن دوره مشخص سازد، به

عبارتی اندیشه غالب زمان را که توانسته بر صورت‌های هنری و تاریخی تأثیر بگذارد را شفاف سازد. در پژوهش حاضر با استفاده از اسناد و مطالعات کتابخانه‌ای ابتدا هر یک از اندیشه‌های سه‌گانه تعریف و در تأثیرگذاری بر آثار معماری دوره ساسانیان به صورت جداگانه مورد بررسی قرار خواهند گرفت تا در نهایت اندیشه غالب بر بازه تاریخی مشخص گردد. انتخاب دوره ساسانیان به عنوان دوره مورد مطالعه، به علت تمدن پیشرفته ایرانی است که سبب شد آثار با شکوه معماری را به منصفه ظهور برساند و پژوهش همواره خواهان کشف علت این شکوفایی است. اندیشه‌های فلسفی، عرفانی و سیاسی دوره مورد نظر به صورت موجز بیان خواهند شد. علت بررسی اندیشه فلسفی بعد از اندیشه دینی آن است که اندیشه فلسفی نوع جهان بینی و تفسیر از دین را روشن می‌سازد برای راهبری اندیشه سیاسی و تا زمانی که اندیشه فلسفی دوره مشخص نگردد شفاف‌سازی اندیشه سیاسی عقیم می‌ماند و سپس اندیشه عرفانی به عنوان اندیشه ضمیر ناخودآگاه جمعی در افراد جامعه مورد بررسی قرار می‌گیرد. قابل ذکر است با پرداختن به اندیشه فلسفی دوره مورد نظر به عنوان یک نگرش بیرونی، کل در معماری مورد بررسی قرار خواهد گرفت و با پرداختن به اندیشه عرفانی به علت نگرش به درون، جزء در معماری بررسی خواهد شد. که هر یک از این اندیشه‌ها توسط اندیشه سیاسی به منصفه ظهور می‌رسند که البته با نوع سیاست جغرافیایی هر دوره تاریخی، تأثیرگذاری اندیشه فلسفی و عرفانی بر آثار معماری آن دوره متفاوت خواهد بود. در حالت کلی و با توجه به موارد بیان شده می‌توان تمام موارد را در تقسیم بندی اندیشه‌های سه‌گانه قرار داد تا به سهولت بتوان اندیشه غالب زمان را مورد بررسی قرار داد. (شکل ۲)

بعد از بررسی هر یک از موارد شکل ۲ صورت تاریخی و صورت معماری دوره مشخص گردیده که حاصل همان کنش بین اندیشه و آثار دوره تاریخی مورد نظر نظر می‌باشد.

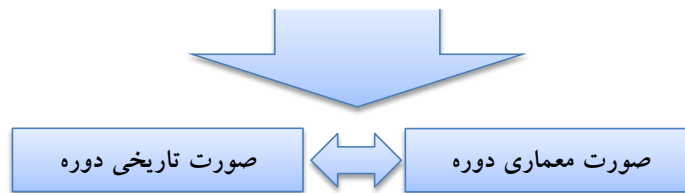
تعاریف

اندیشه فلسفی

اندیشه فلسفی بعد از اندیشه دینی _البته تحت لوای اندیشه دینی_ بیشترین کنش را در ارتباط با امور عملی بشر و همچنین تفکر او داشته است. ابن خلدون در مورد فلسفه و علوم عقلی و منشاء آن در ایران بیان می‌کند:

«اما ایرانیان بر شیوه‌ای بودند که به علوم عقلی اهمیتی عظیم می‌دادند و دایرة آن علوم در کشور ایشان توسعه یافته بود زیرا دولت‌های ایشان در منتهای پهناوری و عظمت بود و هم گویند که این علوم پس از آنکه اسکندر دارا را کشت و بر کشور کیانیان غلبه یافت از ایرانیان به یونانیان رسیده است» (ابن خلدون، ۱۳۷۹، ۱۰۰۲).

نوع اندیشه	نحوه شکل گیری اندیشه
اندیشه فلسفی	استحسان صعودی (تجريد از عالم ماده به سمت عقل)- نگرش به بیرون- نوع تفسیر از دین-شناخت حصولی- تقدم اثر بر اندیشه- توجه به کل
اندیشه عرفانی	استحسان نزولی (تجريد از عالم معنا به صورت مستقیم)- نگرش به درون- شناخت حضوری- تقدم اندیشه بر اثر- توجه به اجزا
اندیشه سیاسی	نوع سیاست جغرافیایی- نحوه رابطه سیاست با دین- آرمان اندیشه سیاسی- میزان تأثیر پذیری سیاست از هر یک از اندیشه های عرفانی و فلسفی



شکل ۲. موارد مورد بررسی در هر یک از اندیشه‌های سه‌گانه جهت نیل به صورت تاریخی و صورت معماری

«این عده قلیل را - خواه فرمانروایی ایشان بر مردم با میل و اختیار مردم باشد و خواه برخلاف میل مردم و خواه از روی قانون اساسی مدونی فرمان برانند و خواه بی‌قانون و خواه تنگدست باشند و خواه توانگر - فقط بدین شرط مردان سیاسی به معنی راستین خواهیم شمرد که فرمانروایی ایشان از روی دانش و هنر صورت گیرد» (افلاطون، ۱۳۶۵، ۱۶۲۱). تنوع سیاست به تنوع جهان‌نگری، معرفت‌شناسی و نگاه آدمی به انسان و ارزش‌ها برمی‌گردد و از آنجایی که جهان‌نگری‌ها در کلیت خود متعدد هستند، می‌توان از انواع سیاست سخن به میان آورد. با چنین تعبیری اندیشه سیاسی از نوع جهان‌نگری یک جامعه خط و مشی می‌گیرد و به عبارتی می‌تواند در تعامل با فلسفه گام بردارد (غزالی، ۱۳۵۱، ۵۵). باورهای اولیه انسان به‌منزله آغاز اندیشه سیاسی است (اللهی، ۱۳۸۷). به عبارتی آنچه اندیشه فلسفی به‌دنبال آن بوده است، اندیشه سیاسی به آن صورت می‌بخشد. اگر فلسفه طریقتی است که مسیر رسیدن به حقیقت را آشکار می‌کند، سیاست طریقت دیگری است جامعه را در آن مسیر به حرکت وا می‌دارد. فلسفه مانند چراغی است که راه را روشن می‌کند و سیاست ماشینی است که بایستی در آن مسیر حرکت کند.

اندیشه سیاسی می‌تواند موتور محرکه تجلی اندیشه‌ها در آثار باشد و مسیر را برای چنین اهدافی فراهم سازد. اندیشه سیاسی برای چنین اهدافی نیاز به ابزارهای متفاوتی دارد و هنر مهم‌ترین ابزارهاست و بر اثر تجلی اندیشه فلسفی در اثر، سایر اندیشه‌ها در جامعه براساس همین سیاست گام بر می‌دارند. هنر به‌عنوان مهم‌ترین فعل در جامعه علاوه بر آنکه خود ریشه در دین داشته است بلکه در جهت آرمان‌های سیاسی جامعه هم گام برداشته است و معماری به‌عنوان هنر مکان که بیش از سایر هنرها با انسان در ارتباط است به

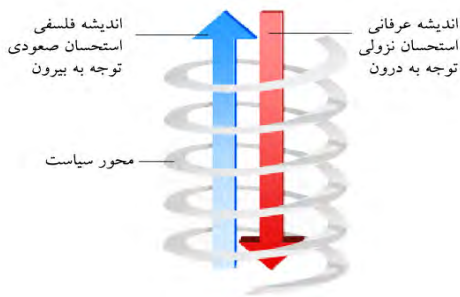
اما در حوزه هنر و معماری، فلسفه بیشتر از آنچه که در ساختارهای درونی معماری تأثیرگذار باشد بر ساختار بیرونی آن دقت می‌کند یعنی تمرکز بر نوع عملکرد بنا، موقعیت مکانی آن، نحوه ارتباط آن با هستی، زمین و آسمان. همان‌طوری‌که هایدگر در تحلیل فلسفی خود از معبد یونانی آن را در ارتباط با هستی و از بیرون توصیف می‌کند: «یک بنا، یک معبد یونانی چیزی را به تصویر نمی‌کشد. این بنا فقط در آنجا، در دل درهٔ صخره خراش ایستاده است. بنا، تمثال رب‌النوعی را در خود پنهان کرده و در این پنهان‌کاری به آن اجازه می‌دهد تا از صحن مقدس مقابل معبد و از خلال رواق گشوده به آسانی دیده شود. ساختمان معبد در آنجا ایستاده، جهانی را گشوده و در همان حال باردیگر این جهان را به جای خود در زمین باز می‌گرداند، به زمینی که تنها از این طریق به‌عنوان «بومی» پدیدار می‌شود. معبد با ایستادنش در آنجا، در وهلهٔ نخست به چیزها چشم انداز آنها را و به آدمیان بر خود چشم انداز داشتن را پیشکش می‌دارد» (شولتز، ۱۳۸۱، ۱۰۸).

اندیشه فلسفی نوعی ادراک عقلی و تجرید از عالم بیرون است که هنرمند سعی دارد آن را به تصویر بکشد و حال جهان‌بینی هر قومی هرچه باشد نوع ادراک و تجرید عقلی او متفاوت بوده و از اینجاست که آثار دوره‌ها و قوم‌ها نیز متنوع می‌باشد.

اندیشه سیاسی

سیاست به معنای دانشی است که از شهر (مدینه در عرف فیلسوفان دوران اسلامی مانند فارابی) و مناسبات شهروندی (مدنی) بحث می‌کند (طباطبایی، ۱۳۸۷، ۲۳). افلاطون معتقد است فقط عده بسیار کمی هستند که می‌توانند سیاست‌مدار باشند. او می‌گوید:

به تصویر می‌کشد (جدول ۱).



شکل ۳. رابطه اندیشه سیاسی، عرفانی و فلسفی

معماری از طرفی با بحث زیبایی در ارتباط بوده است و از طرف دیگر با بحث قدرت نمایی؛ و اینجاست که ضرورت ترکیب عرفان و فلسفه مطرح می‌گردد. با توجه به توضیحات کلی که در مورد اندیشه‌های سه‌گانه مطرح گردید؛ می‌توان اذعان داشت تمرکز معماری در محیط بر اساس نوع خوانش از هستی یعنی فلسفه تعیین می‌گردد (Heidegger, 1977).

شفاف‌سازی کنش بین اندیشه و اثر در معماری دوره ساسانیان

بررسی اندیشه دینی حکومت ساسانیان

پس از حکومت ۴۰۰ ساله اشکانیان با تفکر دینی نامشخص و اختیار کردن سیاست تسامح دینی، بالاخره اردشیر بر خلاف پادشاهان باستانی استقرا یک آیین رسمی و اتحاد بین دین و دولت را در وجود شخص فرمانروا شرط لازم می‌دید. پیوند دولت با دین اکثریت پیروان آیین زرتشت را، که در آن ایام در پارس و ماد و حتی در نواحی شرقی نفوس بسیاری را تشکیل می‌داد، به خاندان او علاقمند کرد (زرین کوب، ۱۳۷۵، ۱۷۱). اردشیر معتقد بود که دین و شاهی دو برادرند که یکی از دیگری بی‌نیاز نیست. دین شالوده شاهی است و پادشاه نگهبان دین است. پیوند دین و دولت در نخستین پایتخت‌های ساسانیان مانند گور و بیشاپور نیز کاملاً نمایان است و در آنها، معابد دینی با کاخ‌های شاهی برابری می‌کند (مهرآفرین، ۱۳۹۰، ۷۷). دین ساسانیان دین توحیدی زرتشتی بود. نظام فرهنگی جامعه ساسانی متکی بر ارزش‌های خاص و ایدئولوژی رسمی بود. بر خلاف عهد تکثر و پراکندگی مذهبی دوره پارتیان، دولت ساسانی در جهت اتحاد با دین زرتشتی حرکت نمود. بازگشت به اصل فره از مهم‌ترین آرمان‌های مذهبی این دولت به شمار می‌رفت. به گفته کریستین سن:

«اگر تمرکزگرایی بازگشت به سنت‌های زمان داریوش کبیر

عنوان مهم‌ترین ابزار سیاسی در طول تاریخ مطرح بوده است چرا که معماری نه تنها با نگرش انسان‌ها بلکه با افعال آنها نیز مرتبط است.

اندیشه عرفانی

اگر فلسفه علم استدلالی و عقلی نامیده شود، اندیشه عرفانی، علم حضوری و شهودی یک قوم را نسبت به دین و اسطوره شامل می‌شود. عرفان باید مکمل فلسفه باشد چرا که وجود هر یک بدون دیگری، اندیشه سیاسی فردی و اجتماعی را مختل می‌کند.

ارسطو فلسفه و حکمت حکمای ایران را از حکمت و فلسفه مصر قدیمی‌تر می‌داند و به موجب بررسی‌های عمیق دانشمندان سیر تکامل عرفان در نزد حکمای یونان در آغاز، از سرچشمه حکمت زرتشت آب خورده است و نیز نوشته‌اند که فیثاغورث حکیم یونانی نزد دانشمندان ایرانی به‌ویژه شخصی به‌نام زرتشت قسمت‌هایی را آموخته است (سامی، ۱۳۴۷).

آغاز اندیشه عرفانی را می‌توان از زمان آغاز اسطوره‌ها مطرح کرد (Eliade, 1969). اکنون اندیشه اسطوره‌ای نیز به عنوان آغاز اندیشه عرفانی معرفی می‌گردد. اساسی‌ترین کارکرد مشترک اسطوره و عرفان؛ انگیزه نیرومند تقرب انسان به خدا یا خدایان است؛ انگیزه‌ای که اساطیر با پایین آوردن خدایان به سطح زندگی زمینی انسان و عرفان با بالا بردن انسان به سوی ملکوت خداوندی بدان دست یافته است. ساختن معابدی با سقف‌های مقوس و گنبدی شکل و تصور و تجسم خدایان در هیأت انسانی و حیوانی و گاه در هیأتی مرکب از انسان و حیوان همه نشانی از بیان عرفانی هنرمند است (دوبلیوس و دراسپک، ۱۳۸۲، ۹۰). بنابراین اندیشه عرفانی مستقیماً به عنوان یک عامل زیبایی‌شناسی وارد حوزه معماری نشده است. رمز مناسب‌ترین زبان برای بیان تجربه عرفانی، یعنی پیوستن مشروط به مطلق و محدود به نامحدود است (یوسفی، ۱۳۸۸). رمز زبان عرفان است و در عرفان تلاش می‌شود روح رمز و تمثیل نگاه داشته شود واز آنجا که رمز زبان عرفان است می‌توان هنر را به‌عنوان قالب رمز، زبان عرفان و تمثیل دانست (Eliade, 1954). با توجه به تعریف اندیشه‌های سه‌گانه می‌توان رابطه هر ۳ اندیشه را تبیین نمود. (شکل ۳)

در توصیف هایدگر آنچه بیش از همه برای او اهمیت دارد رابطه معماری در متن هستی است. چرا که فلسفه هستی را از بیرون خوانش می‌کند و ارتباطات را در آن مورد مذاقه قرار می‌دهد. ولی اندیشه عرفانی بیشتر در ساختار درونی و باطنی اثر تأثیرگذار است. معمار عارف می‌سازد تا زیبایی تجلی کند نه قدرت. او متمرکز بر درون است و با بیان رمزی، ذکر خود را در باطن اثر می‌گنجاند. معمار عارف در پی اندیشه قدرت‌نمایی نیست بلکه او ضمیر ناخودآگاه جمعی را

جدول ۱. مقایسه نقش اندیشه‌های فلسفی و عرفانی در ادراک و خلق معماری

اندیشه فلسفی	اندیشه عرفانی
توجه به برون	توجه به درون
استحسان صعودی	استحسان نزولی
اثر مقدم بر اندیشه	اندیشه مقدم بر اثر
توجه به گشتالت برون	توجه به گشتالت درون
دافعه	کشش و جاذبه
جلال الهی	جمال الهی
قدرت	ذکر
ارتباط آسمان و زمین	ارتباط نور و وجود (زیبایی)
ادراک معماری در محیط	ادراک معماری در معماری
معماری غایت است	معماری طریقت است
عملکرد بنا	زیبایی بنا

فرد و جامعه در حیطه تفکر، فرهنگ، سیاست و حکمت ایران بوده است. مفهوم فره، همچنین نوعی از تظاهرات فکری و گرایش‌های دینی در اغلب جوامع بشری نیز بوده است. تأثیر اندیشه زردشتی بر اندیشه فلسفه عصر ساسانی را می‌توان در سه بنیاد اجتماعی آن عصر یعنی آرمان‌شهری، شاهی آرمانی و طبقات آرمانی و همچنین مفهوم اشته بررسی کرد.

آرمان شهری

اندیشه آرمان شهری در ایران باستان را می‌توان به نوعی آرزوی بهشت از دست رفته انسان دانست. چنانچه شهر در جامعه آرمانی ایرانیان باستان معرف مقطعی خاص از زندگی انسان‌هاست که در نقاط مختلف از یک شبکه فضایی هرمی شکل جایگزین شده اند. ارزش‌های الهی و فرهنگ اجتماعی، اساس و حکمت این هرم را تضمین می‌کنند. حتی خیابان‌ها و شوارع عام در شهرها نیز بر اساس نظمی قدسی بنا شده بود، چون تصور می‌شد که شهر متعلق به خدایان است. همین مفهوم در سطحی بالاتر در اندیشه ایران شهری نمود پیدا می‌کند، چنان که شاهان ساسانی مملکت اصلی خود را ایران شهر می‌خواندند. پس آرمان شهری شیوه یی قدسی برای اداره ایران شهر پهناور بوده است. با اوصافی که گفته شد این آرمان شهر به دو عامل دیگر برای پیمودن راه سعادت و کمال نیاز داشته است: شاهی آرمانی برای ایفای نقش اهورامزدا روی زمین و طبقاتی آرمانی برای یاری رساندن به نماد اهورامزدا در زمین (میرزایی، ۱۳۸۸).

به شمار آید، ایجاد دین رسمی حتما از ابتکارات ساسانیان بوده است» (کریستن سن، ۱۳۷۴). در واقع تلاش ساسانیان در برقراری وحدت مذهبی، مکمل کوشش‌های آنان در برقراری وحدت سیاسی و در جهت نیل به تمرکز قدرت محسوب می‌شد؛ به همین منظور ساسانیان در نخستین دوران فرمانروایی خود؛ بی درنگ مبارزه با کیش زرتشتی را، که با هلنیسم و انواع ناشی از ادغام هلنیسم و فرهنگ شرقی آمیخته شده بود، آغاز کردند و کوشیدند تا رسالت زرتشت و دین او را به دور از هر نوع آمیختگی و به شکل حقیقی آن بازگردانند. آنان برای دستیابی به این هدف، در آیین ایزدان مورد ستایش، سازش و التقاطی ایجاد کردند که منظور از آن، وحدت ایران و متحد گردانیدن شاهان و شاهکان و استان‌های کشور در یک مجموعه واحد بود. ساسانیان با وجود همه بحران‌ها بزرگ اصل بنیادین تکیه داشتند و آن فره ایزدی بود، گویا حفظ این اصل مقدس مهم‌تر از نجات کشور و سعادت مردم بوده است. موبد موبدان حافظ این اصل مقدس بود و به عنوان نگهبان نظام تاج را بر سر شاه می‌گذاشت.

بررسی اندیشه فلسفی ساسانیان

در دوران حکومت ساسانیان اندیشه عرفانی و فلسفی رابطه ناگسستگی داشتند. فره دانش در این دوره از اهمیت بالایی برخوردار بود. اعتقاد فلسفی هخامنشیان به فره در این دوره به اوج کمال خود می‌رسد که شکل‌دهنده ساختمان فکری و فرهنگی و همچنین عامل زیربنایی در قوام، انسجام و اقتدار

شاهی آرمانی

در اندیشه مزدایی، اهورامزدا خیر مطلق و پاسدار نظم حاکم بر کیهان است. او در برابر شر می ایستد تا جهان راهش را به سوی کمال طی کند. برای اینکه نظم عالم انسانی با نظم کیهانی قرین باشد باید «شاهی آرمانی» بر آن فرمانروایی کند. شاه آرمانی کسی است که نظم زمینی را با نظم کیهانی تطبیق می دهد و جامعه زمینی را به جلوه های از آرمان شهر تبدیل می کند. هر چیزی که مخل این نظم باشد بدآیینی شمرده می شود. مشخصه شاه آرمانی برخورداری از «فره» است. فره مخصوص شاه نیست بلکه هر صنف، فره خاص خود را دارد. هر کس که بر وفق «خویشکاری» عمل کند یعنی کاری را انجام دهد که برای طبقه او تعیین شده است از فره آن طبقه برخوردار می شود (همان). یکی از مقتضیات اصلی عدالت نیز پاسداری از نظام تقسیم طبقاتی جامعه بوده است. پادشاه ساسانی همچون اهورامزدا که اداره کیهان را در دست هفت امشاسپند قرار داده است شخص شاه با تعیین اشخاصی به عنوان سرکردگان هر طبقه، اداره امور طبقات را به دست آنان می سپرده است و همان گونه که هر امشاسپندی سرکرده تعدادی از ایزدان بود هر کدام از منصوبان شاه در راس مأمورانی قرار می گرفت که طبقات را اداره می کردند.

طبقات آرمانی

چرخاندن امور کیهانی در اندیشه مزدایی بر دوش ایزدان است، ایزدانی که هر یک وظیفه ای بر دوش دارند که با خویشکاری خود از اختلال در نظم کیهان جلوگیری می کنند. طبقات آرمانی در عهد ساسانی نیز عکسی از همین خویشکاری در آرمان شهرهای ایران شهر است. طبقه آرمانی با خویشکاری تعریف می شود؛ یعنی هر کس به جایگاه خود و دیگران احترام بگذارد و همواره طبقات مطیع سرکردگان خویش باشند و وظایف معین شده خود را به نحو احسن انجام دهند (همان). از معانی خویشکاری تدین و پارسایی نیز هست و بنابراین شخصی متدین و پارسا به حساب می آمده است که طبقه ای را که در آن به دنیا آمده است به رسمیت بشمارد و سعی در بر هم زدن آن نکند. همچنین وظایفی را که برای طبقه اش تعیین شده است را به خوبی بشناسد و به آنها عمل کند. در غیر این صورت وی نمی توانسته از فروغ ایزدی یا همان فره خاص طبقه خود بهره مند شود. شاه نیز به عنوان چشم ناظر اورمزد بر این خویشکاری بوده است.

اشه روی زمین

اشه به عنوان نظم حاکم بر کیهان بازتابی گسترده در جامعه عهد ساسانی داشته است. نمود جنگ خیر و شر

در عرصه کیهانی را می توان به شکل نظم و بی نظمی در جامعه عهد ساسانی دید. هر چه نظم است و هر که به نظم احترام می گذارد اهورایی است، هر که هم در برابر نظم بایستد و آن را بر هم زند نمادی از اهریمن است. نظم در این نظام اجتماعی احترام گذاشتن به طبقات، خویشکاری و فرمانبرداری است و بی نظمی، هرگونه سعی در بر هم زدن نظم طبقاتی یا تلاش برای بالا رفتن از طبقه خود، بیکاری و سرپیچی از فرامین است. احترام گذاشتن به اشه تنها راه رستگاری و پیرو اشه اهل بهشت است، این به این معنی است که لازمه رسیدن به سعادت اخروی احترام گذاشتن به نظم حاکم بر جامعه دنیوی است. شاهنشاه به عنوان شخصی که دارای فروغ اهورایی (فره) است، پاسدار این نظم مقدس در جامعه ایران شهری است. بنابراین همان گونه که در برابر اهورامزدا نمی توان ایستاد، فرمان شاهنشاه نیز لازم الاتباع بوده است (همان).

بنابراین مفهوم ایران شهری و نظم از دو مقوله بسیار مهم فلسفی ساسانیان می باشد که روند اندیشه سیاسی آن حکومت را نیز هدایت می کردند. لازم به ذکر است هر ۴ مورد بیان شده تحت ۲ مفهوم ایران شهری و نظم همه تحت لوای فره قابل تفسیر هستند.

در واقع «اندیشه سیاسی ایران شهری همچون رشته ناپیدایی است که دو دوره بزرگ تاریخ دوران قدیم ایران زمین را از دوره باستانی آن تا فراهم آمدن مقدمات جنبش مشروطه خواهی به یکدیگر پیوند می زند» (طباطبایی، ۱۳۹۱، ۷۱).

در حالت کلی الهیات ایرانی با بهره گیری از سه مفهوم فلسفی مایا، شهریور و فرّ، به صراحت حوزه الهیات و دین را به حوزه سیاست و فرمانروایی پیوند زده است. این سه مفهوم سه عنصر کلیدی و مناقبخش برای نظریه فرمانروایی الهی ایرانیان به شمار می روند:

- مایا (ایجاد نظم و برقراری سامان توسط شهریار به دلیل بهره مندی از توان ایزدی)؛

- شهریور (به معنای توانایی فرمان راندن و پادشاهی کردن/

سیاسی ترین مفهوم در دستگاه یزدان شناسی)؛
- فرّ (نوعی نیرو، توان، استعداد و کمال وجودی است در راستای رسیدن موجودات به کمال خاص) (قادری و رستم ونیدی، ۱۳۸۵، ۱۳۱).

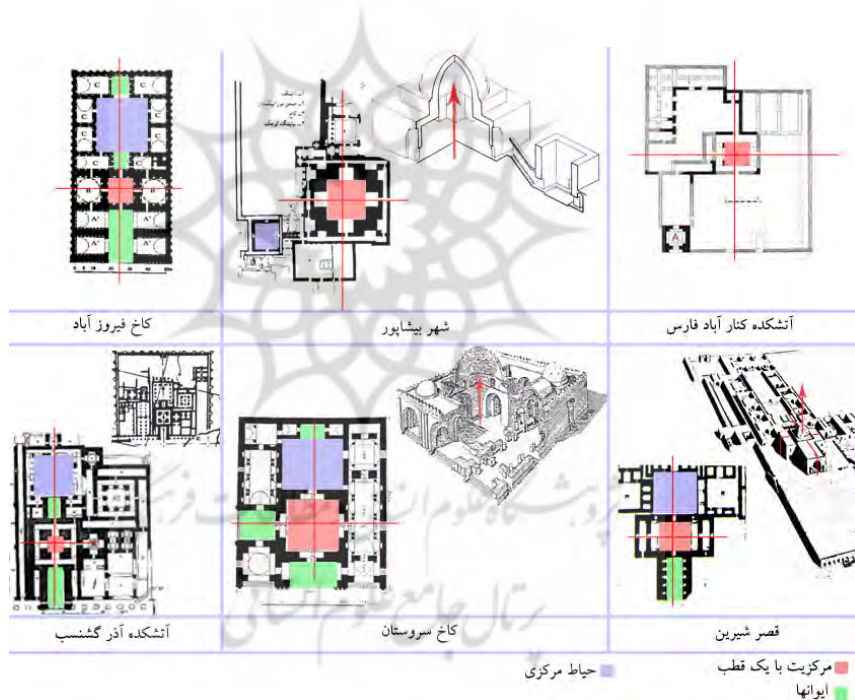
بر این اساس نظم، سلسله مراتب، وجود فره در تمام اندیشه های آن عصر، اندیشه ایران شهری (پیوند دین و دولت) از مفاهیم جدا نشدنی فلسفی ساسانیان می باشد که در معماری آن دوره نیز تأثیر بسزایی داشته است. اعتقاد به نظم از طرفی و نگرش وحدت گرای توحیدی همواره مفهوم مرکز و قطب را بیش از دوره های قبل در آثار متجلی ساخته است. به نظر می رسد ساسانیان آنچه را که هخامنشیان و اشکانیان بدان دست بازیده بودند؛ استحاله بخشیده و با نظم ساختاری، مرکزیت را مورد توجه قرار دادند. لازم به ذکر است

بررسی اندیشه عرفانی ساسانیان

همان‌طور که بیان شد اندیشه فلسفی و عرفانی در دوره ایران باستان از هم جدا نشدنی بود. اعتقاد به فره ایزدی در اندیشه عرفانی ساسانیان همانند هخامنشیان آنها را به سوی نمادپردازی در هنر سوق داده بود. «فر» با حفظ هسته اولیه مفهومی خود وارد حیطه عرفان شد و با عبور از این گذرگاه ذهنی و در انطباق با بینش اصولی این آیین جدید، کالبد و هیأتی مورد قبول یافت. و به تبع آن در معماری و هنر کهن الگوی چلیپا و سایر نمادهای فره ایزدی به مانند دوره هخامنشیان ولی قوی‌تر از آن احیا گردید. بررسی و تحلیل هنرهای نمادین نشان می‌دهد، نماد سال‌ها قبل از دوره ساسانی در فرهنگ ایران پا به عرصه ذهن نهاده بود؛ اما توسعه تفکر آن در دوره ساسانی با سبک و روش خاصی صورت گرفت. به طوری که در پس نمادهای ساسانیان، هم واقعیت‌های کالبدی و هم ارزش‌های معنوی، و رای تجلیات

امروزه قواعد الگوهای جدید نظم بیشتر از سرچشمه‌های غیرقابل پیش‌بینی، غیرغایتمند و متکی به دریافت انسان نشأت می‌گیرند (تقوایی، ۱۳۹۱).

تعریف ۳ آتشکده مهم در آن دوره (آتشکده آذر گشنسب، آتشکده آذربرین مهر و آتشکده فرنبخ) همواره نشان از توجه به قطب مذهبی در اداره کشور می‌باشد و اختصاص هر یک از آنها به نام جنگ‌آوران، کشاورزان و موبدان نشان از طبقات آرمانی فلسفی و رعایت سلسله مراتب دینی است. فلسفه ایران‌شهری در دوره حاضر همواره سبب گشته است که ساختارهای کاخ و آتشکده بسیار شبیه به هم و یا در مجاورت هم باشند. به عبارتی مانند اشکانیان و هخامنشیان، محوریت معماری کاخ نبوده است بلکه کاخ-آتشکده مجموعه‌ای را فراهم می‌آورد که می‌تواند اندیشه ایران‌شهری را در جامعه متجلی سازد. (شکل ۴)



اهمیت به مرکز(فلسفه توحیدی)

کل کامل و ایجاد تقارن (فلسفه توحیدی و اعتقاد به اشه)

ایوان و حیاط (استحسان صعودی از دوره قبل)

عدم تأکید محوریت بنا به فضای وصل در افق (عدم وجود جهت مقدس در زمین)

تعیین ۳ قطب جغرافیایی (فلسفه طبقاتی آرمانی با نگاه به برون)

هم‌جواری آب و آتشکده (شناخت حصولی)

تأکید بر محوریت عمودی بیش از محوریت افقی در فرم (تأکید بر محور بین آسمان و زمین)

شکل ۴. کنش بین اندیشه فلسفی دوره ساسانیان با آثار معماری

صوری آنها، پنهان هستند. شاید گزاف نباشد اگر گفته شود، سیر تحول و تطور نماد (بنا به ماهیت ماورایی‌اش) در ایران باستان روشن‌تر این واقعیت است که در دوران ساسانی این ماهیت، دچار رنسانس عمیقی گشته است.

جام جم یا جام خسرو که نمادی از حقیقت هستی آدمی است، تجلی نور و فره می باشد و همچنین آشکارکننده اسرار ناپیداست (شایگان، ۱۳۷۳، ۳۱۴). این جام، نخستین بار در شاهنامه فردوسی، جاودانگی ادبی یافته است. رنگ هم که نماد تفکیک و تجلی، گوناگونی و اثبات نور است، در هنر ساسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (همان، ۳۵۰).

کارکرد دایره در اسطوره‌ها، رویاها، ماندالاه‌ها، آیین‌های پرستش خورشید و نیز نقشه‌های قدیم شهرها، بیانگر توجه به «تمامیت» به عنوان اصلی‌ترین و حیاتی‌ترین جنبه زندگی انسان است. کانون دایره، مبدأیی است که همه چیز از آن نشأت می‌گیرد و بدان می‌گراید و بنابراین دایره و مرکز از جمله رمزهای اساسی محسوب می‌شوند. چلیپا نیز به عنوان نماد و نشانی از خورشید و آتش از دیگر عناصر ناخودآگاه ذهن است که در نمای مقطع آتشکده‌ها نقشه ساختاری این بناها را تشکیل می‌دهد. نخستین تجلی «فر» به صورت نور، آتش و یا عناصر و منابع نوری است، که این بناها بر اساس انتساب «فر» به اهورامزدا و انوار ساطع از او جلوه کرده است. به این ترتیب «فر» با کیفیتی نوری ظاهر می‌شود که یکی از صورت‌های آن هاله نور است. جلوه دیگر نور آتش است، که در هنر و تمدن عصر ساسانی در اشکال آتشدان و آتشکده محل ظهور می‌یابد. خورشید نیز نوعی دیگر از منابع نوری و نمادی دیگر از «فر» است. همچنین است چلیپا که مظهر دیگری از تجلی «فر» در عصر ساسانی است. این نقش در مجموعه نمادهای نوری، صورتی چندگانه دارد، از جهتی نماد آتش است و از جهتی دیگر نشان خورشید، و خود نیز بنا بر مشخصه‌های هویتی‌اش رمزی از حضور «فر» محسوب می‌شود. چلیپا همچنین در نقش پایه آتشکده‌های ساسانی بر آن فضایی منطبق است که دربرگیرنده اشعه‌های نور و روشنائی است (همان، ۳۶۱).

از دیگر مبانی عرفانی ساسانیان رابطه آب و آتش است که می‌توان این تقدس را دنباله رو اشکانیان دانست. در آتشکده‌های دوران ساسانی هم‌جواری آتش و آب از مقوله‌های مهم بوده است که آتشکده آذر گشنسب و فیروزآباد حاکی از همین امر است.

تکامل اندیشه فره ایزدی در این دوره در ساختارهای معماری آن مشهود است. تأکید بر قطب و قرارگیری قطب به صورت فرم چلیپا در ساختارهای معماری چه در آتشکده و چه در کاخ‌ها نشان از تجلی یک اندیشه عرفانی است که کهن‌الگوی چلیپا را عامل بقا و نظم یک مجموعه می‌داند یعنی همان فره ایزدی که عامل بقاء و نظم جهان است. در ترکیب نظام فضایی، به نظر کان در وراء «نظم» واژه توسعه

مادی معماری قرار دارد (تقوایی، ۱۳۸۹).

این ساختار با یک استحسان نزولی در هنر تجلی یافته است چرا که در دوره‌های قبل این الگو عامل وحدت یک مجموعه و یک ساختار نبوده است بلکه نمادی بوده است که در دوره هخامنشیان جزء لاینفک تک تک ساختارهای یک مجموعه محسوب می‌شده است، ولی اکنون چلیپا به عنوان فضای انتقال عامل اصلی برای رسیدن به فضاهای مجاور است. یا به عبارتی بدون عبور از این مرکز اجازه ورود به سایر فضاها داده نمی‌شده است و این زائیده یک تفکر عرفانی و عشق فرهی است که بعدها سهروردی از آن به نور الانوار یاد می‌کند. (شکل ۵)

بررسی اندیشه سیاسی ساسانیان

مقارن با تأسیس سلسله ساسانی موانعی چون ترکیب نامتجانس جغرافیایی مذهبی در ایران موجب بروز مشکلاتی برای مؤسسان این سلسله شد؛ زیرا تنوع مذاهب و آموزه‌های دینی از ویژگی‌های بارز جامعه ایرانی و اواخر عهد اشکانی و اوایل عهد ساسانی بود؛ لذا با وجود این تنوع که در هر قسمت از قلمرو ایران مشاهده می‌شد، سلاطین ساسانی نتوانستند یکپارچه به اندیشه ایجاد مذهب دولتی جامه عمل ببوشانند. در حقیقت، برای اعمال چنین سیاستی، ترویج آتشکده‌ها، گردآوری و تدوین اوستا و سازماندهی و تقویت روحانیت به عنوان یک طبقه قدرتمند اجتماعی در دستور کار قرار گرفت و اعزاز موبدان به عنوان نمایندگان مذهبی، در کنار نمایندگان سیاسی یا مرزبانان به هر یک از استان‌ها، در جهت گسترش هر چه بیشتر تمرکز سیاسی-دینی آغاز شد که سرانجام نیازهای متقابل دین و دولت، موجبات نزدیکی این دو را به یکدیگر فراهم ساخت. هم‌زمان با تلاش ساسانیان در راه ایجاد یک دولت مرکزی نیرومند دستگاه دینی در مسیر وصول به چنین مرکزیتی گام بر می‌داشت و به عبارتی قدرت شاهنشاه و نیروی موبدان موبد دو ترجمان یک گرایش و دو بعد یک پدیده بود. واقعیت‌های تجربی دوره ساسانی و به شیوه‌ای استقرایی، چهار شاخص برای تعیین اتحاد میان دین و دولت به کار گرفته شد:

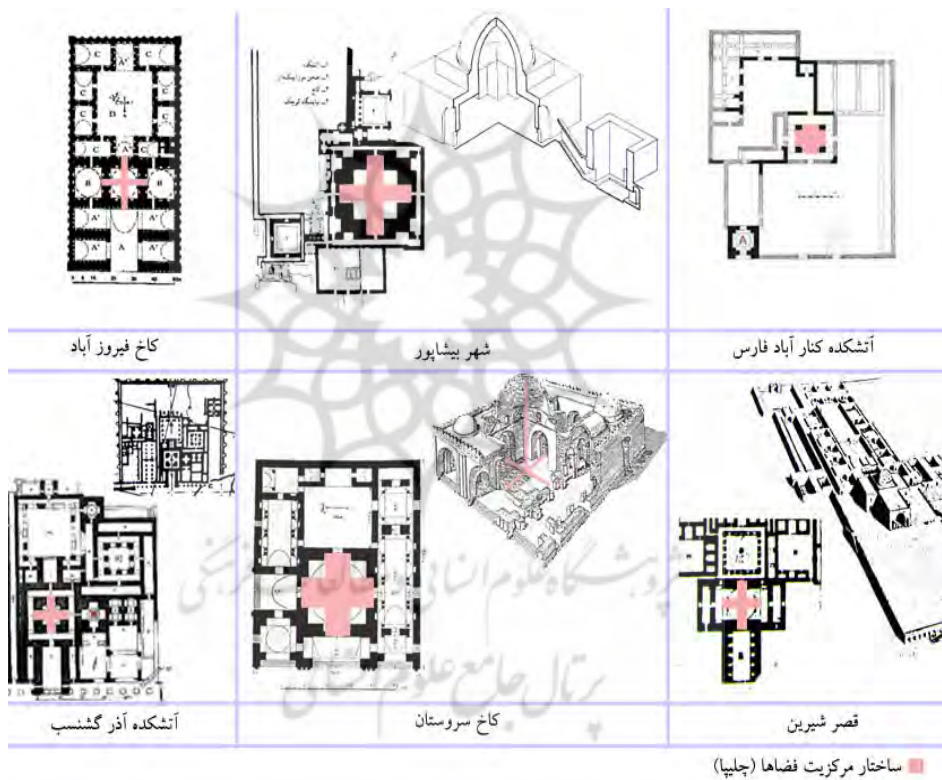
۱) یکی بودن ریاست دین و سلطنت؛ ۲) برخورداری پادشاه از فره ایزدی؛ ۳) دستور به گردآوری و تدوین مجدد اوستا؛ ۴) تأسیس و رواج آتشکده‌های زرتشتی (میرزایی، ۱۳۸۸).

ساسانیان اولین سلسله‌ای در ایران هستند که ایده ایران‌شهر را به عنوان یک ایده سیاسی و هویت فرهنگی ایرانیان برپا می‌کنند. مهم‌ترین میراث ساسانیان این است که ما اکنون ۱۸۰۰ سال است با این ایده زندگی می‌کنیم. در این اندیشه که برخاسته از اصل وحدت دین و سیاست می‌باشد، اخلاق مطرح می‌گردد و تفوق اخلاق بر سیاست کاملاً مشهود است. با حاکمیت ساسانیان و هم‌زمان با رسمیت یافتن آیین زرتشتی، از طریق همکاری و هم‌ترازی دین و دولت، دینداران به ایفای

حکومتی متمرکز را موجب گردید که همین امر موجب آبادانی شهر و پیشرفت یک تمدن گردید. آنچه که دولت هخامنشیان با ایجاد حکومت مستقل سبب شکوفایی معماری شدند، ساسانیان با دو مقوله اتحاد دین و دولت و حکومت مستقل آن شکوفایی را دو چندان کردند. جهان بینی که سبب حرکت اندیشه سیاسی ساسانیان گشت، اعتقاد بسیار زیاد بر فره بوده است. فره در ۳ اندیشه زمان ساسانی حرف اول را می‌زند. در سیاست که از آن به عنوان فره کیانی یاد شد توانسته است انسجام به ساختار حکومتی را بازگرداند و همه چیز

نقش سیاسی- مذهبی پرداختند. این همبستگی و هم ترازوی دین و دولت در این دوره، باعث چیره شدن مذهب و سیاست بر تمامی اصول جامعه شد. اندیشه سیاسی ایران شهری، به گونه‌ای که از بررسی منابع بازمانده از دوره باستان و نیز تاریخ سیاسی ایران زمین بر می‌آید، اندیشه شاهی آرمانی است؛ زیرا موضوع این نظریه، قدرت حکومتی موجود نیست، بلکه برعکس، قدرت و نظام حکومتی موجود، بر پایه اندیشه سیاسی آرمانی سنجیده می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۱، ۱۷۵).

ایجاد دین رسمی و اتحاد دین و دولت در دوره ساسانیان



چلیپا ی مرکز (نور، فره ایزدی) عامل نظم اجزا (نگرش درونی)

چلیپا در مرکز ساختارها (فره و نور ایزدی)

نظم در اجزا (جزء کامل، اعتقاد به اشه)

فضای چلیپایی شکل در نقش فضای انتقال

شکل ۵. کنش بین اندیشه عرفانی دوره ساسانیان با آثار معماری

جدول ۲. کنش بین اندیشه سیاسی دوره ساسانیان با آثار معماری

وضعیت معماری	نوع سیاست
شکوفایی در معماری و شهر	سیاست متمرکز
وجود الگو و مرکز در طرح های معماری	پیوند سیاست و دین
الگوی ایرانی در ساختار اثر و محوریت کاخ-آتشکده	آرمان ایران شهری
وجود سلسله مراتب در فضا	اندیشه طبقاتی
ساختارهای عظیم در معماری	آرمان احیاء هخامنشیان
توجه به مرکز و نظم و ایجاد ۳ مرکز در ۳ نقطه ایران	تأثیر پذیری از فلسفه
تأکید بر فره ایزدی و فرم چلیپا در ساختار معماری	تأثیر پذیری سیاست از عرفان

سیاسی ساسانیان گشت، اعتقاد بسیار زیاد بر فره بوده است. فره در ۳ اندیشه زمان ساسانی حرف اول را می زند. در سیاست که از آن به عنوان فره کیانی یاد شد توانسته است انسجام به ساختار حکومتی را بازگرداند و همه چیز تحت لوای یک امر و مفهوم باشند. روح زمان ساسانی احیاء تفکر ایران شهری و صورت تاریخی آن بازگشت به هویت ایرانی و نظم و سلسله مراتب است. آنچه که بیش از هر چیز از اهمیت بالایی برخوردار است تقدم اندیشه بر اثر در این دوره است که منجر به خلق نوآوری در معماری گشته است. (شکل ۶)

طبق شکل ۶ می‌توان شکوفایی معماری دوره ساسانیان را در ارتباط با نظم و کل کاملی که حاصل اندیشه سیاسی و فلسفی است و همین‌طور اعتقاد به فره ایزدی که حاصل اندیشه سیاسی و عرفانی می‌باشد مطرح نمود و از طرفی آنچه که در اشتراک دو اندیشه فلسفی و عرفانی به‌عنوان حکمت می‌توان از آن یاد کرد اعتقاد توحیدی و تجلی آن به‌صورت فرم مرکزگرا در آثار معماری می‌باشد. هر سه اندیشه سیاسی، عرفانی و فلسفی در اوج خود توانستند روح ایران شهری را به‌عنوان روح زمانه در این دوره متجلی سازند به‌طوری‌که حقیقت وجودی در تمام آثار از تک قطبی بودن و اندیشه توحیدی پیروی کرده و باعث شده است که آثار معماری از یک گشتالت کامل در دو حالت کل و جزء برخوردار باشند و از این طریق صورت معماری نظم داده شده و هویت ایرانی خود را در تجلی هر سه اندیشه آشکار کرده است.

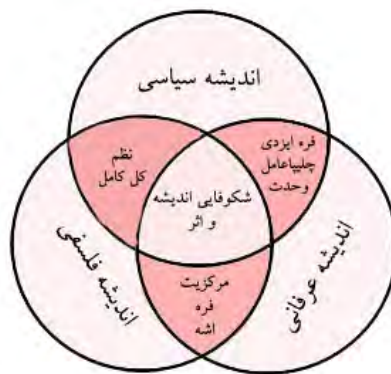
۱- پی‌نوشت‌ها

۱. فرّ یا فرّه مفهومی در اساطیر ایرانی است. فر موهبت یا فروغی ایزدی است که شخص با انجام خویشکاری‌های خود و رسیدن به درجه‌ای از کمال به‌دست می‌آورد. در اساطیر ایران ترکیب‌های فرّه ایزدی، فرّه شاهی، فرّه ایرانی، فرّه کیانی، بیشتر از بقیه به کار رفته‌اند. مشروعیت شاهان وابسته به فره‌مندی ایشان بود. شاه مشروع شاهی بود که دارای فرّه شاهی که گاه به صورت فرّه ایزدی هم ذکر می‌شود باشد. فر تنها

تحت لوای یک امر و مفهوم باشند. با اینکه ایجاد اندیشه طبقاتی از نکات ضعف آن دوره محسوب می‌شود ولی مفهوم سلسله مراتب در ساختارهای جغرافیایی، شهری و معماری توانست عامل نظم در یک ساختار باشد. الگوی حکومتی ساسانیان از نوع الگوی دوم یعنی هم‌ترازی دین و دولت می‌باشد که بر اساس همین امر محوریت معماری این دوره کاخ-آتشکده می‌باشد. به‌طوری‌که ساختار معماری آتشکده‌ها با کاخ‌ها برابری می‌کند و در کنار یا درون هر کاخی وجود آتشکده الزامی است. (جدول ۲)

۲- نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی اندیشه‌های سه‌گانه در این دوره حال بایستی صورت تاریخی و صورت معماری دوره مورد بررسی قرار گیرد از آنجا که صورت تاریخی دوره یا به عبارتی اسم زمان بر اساس کنش بین اندیشه‌ها اتفاق می‌افتد به نظر می‌رسد در دوره ساسانیان به علت استقلال حکومتی و آرامش کشور معماری از یک شکوفایی خاصی برخوردار بوده است که این شکوفایی را مرهون کنش ۳ اندیشه سیاسی، فلسفی و عرفانی آن دوره است چرا که رابطه دین و سیاست وقتی قوی می‌گردد این ۳ اندیشه ناگزیر رابطه تنگاتنگی با هم خواهند داشت که به تبع آن در معماری بر اساس رابطه سیاست با هر کدام از مقوله‌های فلسفه و عرفان تجلی یک فرم و نماد در معماری است که حاصل تأثیرپذیری سیاست از فلسفه نظم و ساختار کامل یک مجموعه را به ارمغان آورده و در اثر رابطه با عرفان، مرکزیت فرم چلیپا را که حاکی از نور و فره است را ایجاد کرده است به‌طوری‌که ۲ اندیشه عرفان و فلسفه هر دو در مفهوم (مرکزیت و فره ایزدی) اشتراکاتی دارند که بر این اساس می‌توان صورت معماری این دوره را در جزء کامل و کل کامل خلاصه کرد و اندیشه غالب را همان اندیشه‌های سه‌گانه مطرح نمود. آنچه که دولت هخامنشیان با ایجاد حکومت مستقل سبب شکوفایی معماری شدند، ساسانیان با دو مقوله اتحاد دین و دولت و حکومت مستقل آن شکوفایی را دو چندان کردند. جهان بینی که سبب حرکت اندیشه



روح زمان	حقیقت وجودی	صورت معماری	صورت تاریخی	اندیشه غالب
ایران شهری	یک قطب	کل کامل و جزء کامل (تقدم اندیشه)	ارجاع به نظم و هویت ایرانی	سیاسی - عرفانی - فلسفی

شکل ۶. شفاف سازی کنش بین اندیشه و اثر در معماری دوره ساسانیان

هویت شهر، ۶ (۱۱)، ۳۹-۵۲.

۶. دوبلیوس، لوکاس؛ و دراسپیک، روبرتوس. (۱۳۸۲). *دیباچه‌ای بر جهان باستان*. (مرتضی ثاقب فر، مترجم). تهران: انتشارات ققنوس.

۷. زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۵). روزگاران. تهران: انتشارات سخن.

۸. سامی، علی. (۱۳۴۷). حکمت و فلسفه در ایران باستان. *مجله هنر و مردم*، ۶ (۶۶)، ۱۳-۲۰.

۹. شایگان، داریوش. (۱۳۷۳). *هانری کرین: آفاق تفکر معنوی در اسلام ایرانی*. (باقر پرهام، مترجم). تهران: نشر فرزانه.

۱۰. شولتز، کریستیان نوربرگ. (۱۳۸۱). مفهوم سکونت (به سوی معماری تمثیلی). (محمود امیر یار احمدی، مترجم). تهران: انتشارات آگاه.

۱۱. طباطبایی، جواد. (۱۳۸۷). *زوال اندیشه سیاسی در ایران*. تهران: نشر کویر.

۱۲. طباطبایی، صالح. (۱۳۹۱). *دانش نامه هنر و معماری ایرانی*. تهران: مؤسسه تالیف، ترجمه و نشر آثار هنری متن.

۱۳. غزالی، ابوحامد محمد. (۱۳۵۱). *احیاء علوم الدین*. (مؤیدالدین محمد خوارزمی، مترجم). تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

۱۴. قادری، حاتم؛ و رستم وندی، تقی. (۱۳۸۵). اندیشه ایران شهری (مختصات مؤلفه های مفهومی). *فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء*، ۱۲۳-۱۴۸، (۵۹).

۱۵. کاسیرر، ارنست. (۱۳۷۸). *فلسفه صورت‌های سمبلیک*. جلد دوم. (یدالله موقن، مترجم). تهران: نشر هرم.

۱۶. کریستن سن، آرتور. (۱۳۷۴). *وضع ملت و دولت و دربار در دوره شاهنشاهی ساسانیان*. (مجتبی مینوی، مترجم). تهران: پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۱۷. مکنزی، دیوید نیل. (۱۳۷۹). *فرهنگ کوچک زبان پهلوی*. (مهشیدمیرفخرایی، مترجم). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات

متعلق به افراد/ایرانیان پاک است و با بدی کردن و غرور و امثال آن هم از دست تواند رفت. در اساطیر ایران مواردی هست که به سبب غرور یا خطاهای بزرگ شاه فره از وی گسسته و مشروعیت از دست رفته است. دو مثال کاووس و جمشید قابل ذکرند. بارزترین جلوه فرتابندگی آن است. کسی که دارای فره است رخساری تابنده می‌دارد. به تابندگی افراد فره‌مند در اساطیر بسیار اشاره شده است. مثلاً در شاهنامه چون طهمورث از بدی پالوده می‌گردد فره ایزدی از او تافتن می‌گیرد. معروف‌ترین این تابندگی‌ها جمشید راست چنان که جزء دوم نام وی شید به معنی درخشان است و نام اصلی وی جم است. فر هنگام گسستن از افراد یا پیوستن به ایشان نمودهای دیگری هم می‌یابد. برای نمونه فره از جمشید در هیئت مرغی (مرغ وارغنه) گسست و یا در هیئت غرمی (=میش کوهی) به تک در پی اردشیر بابکانروان بود تا سرانجام به وی پیوست. فره در هیئت گرم روایتی است که در شاهنامه آمده است. (مکنزی، ۱۳۷۹)

فهرست مراجع

- ابن خلدون، عبدالرحمن. (۱۳۷۹). *مقدمه ابن خلدون*. (پروین گنابادی، مترجم). تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- افلاطون. (۱۳۶۵). *مجموعه آثار*. (محمدحسن لطفی، مترجم). تهران: انتشارات خوارزمی.
- الهی، حسین. (۱۳۸۷). گذری به سیر اندیشه سیاسی ایرانیان و نظام آرمانی آنها. *فصلنامه فقه و تاریخ تمدن*، (۱۸)، ۷۲-۵۱.
- تقوایی، ویدا. (۱۳۸۹). از چیستی تا تعریف معماری. *فصلنامه هویت شهر*، ۵ (۷)، ۸۶-۷۵.
- تقوایی، ویدا. (۱۳۹۱). از نظم تا بی نظمی در طبیعت و معماری.

- nal return or cosmos*. Princeton, New Jersey: History Princeton University Press
22. Eliade, M. (1969). *The quest; history and meaning in Religion*. Chicago: the University of Chicago press.
23. Heidegger, M. (1977). *The Age of the world picture: in the Question Concerning Technology and other Essays*. Translated By William Iovitt. New York: Harper & Row
- فرهنگی.
۱۸. مهرآفرین، رضا. (۱۳۹۰). چهار قابی آتشکده‌ای در کوست خوربرازن: فصلنامه باغ نظر، ۸(۱۸)، ۷۵-۸۲.
۱۹. میرزایی، علی اصغر. (۱۳۸۸). کارکرد سیاسی. اقتصادی آتشکده‌ها در عصر ساسانی. پژوهش‌های تاریخی، (۲)، ۱۲۳-۱۴۰.
۲۰. یوسفی، محمدرضا. (۱۳۸۸). تعامل دوسویه تمدن اسلامی و تمدن ایرانی. مجله پژوهش‌های اسلامی، (۵)، ۲۶۵-۲۹۱.
21. Eliade, M. (1954). *The myth of the eter-*



Clarifying Interaction of Ideas and Effect in the Sasanid Era Architecture

*Nasim Ashrafi**, Ph.D., Department of Art and Architecture, Pardis Branch, Islamic Azad University, Pardis, Iran.

Mohammad Naghizadeh, Ph.D., Assistant professor, Department of Art and Architecture, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Abstract

There is a circle in survey from idea to effect –which makes the act of creation - and from effect to idea –concerned in the scope of thinking, cognition and perception, which is conducive to the formation of culture and civilization. Formation of any civilization is the result of interaction between ideas and forms. If there is no idea, there will be no form and effect and if there is no effect, idea promotion would be meaningless. During the history and past religious idea – there was a myth as a guiding idea for other ideas, i.e. Philosophical, Mystical and Political ideas that based on their interaction, creation of a civilization forms was possible. Architecture as a historical form has been the result of interaction between the triple ideas proposed under religious idea. The culture of any society and civilization results from impressionability of various ideas in different spheres of the society. The subject dates back to the golden age of Persian art and culture and Islamic- Persian culture, when several elements of culture had a close and multifaceted relationship with each other. In other words, art and architecture works of different periods can not be studied separately and we can not limit each period with a special ideas framework; Because idea and effect (work), in each period, were the results of evolution of the past and among them something as a whole included all ideas and effects; a whole that can not be decomposed into its components and it is the same mythic-religious thinking. The whole idea (religion) is not just composed of its components (mystical, philosophical, political ideas) but it is more a structure which is caused by interaction of its components with each other and the components with the whole. This study is an attempt to explain the role and contribution of each idea in creation of architectural works of sasanid civilization by definition of each idea and it aims to review their role in relation to architectural form that is attended with a kind of unity by consideration of historical form of the period which is based on a philosophical-mystical- political idea, and in other word, the study aims to clarify the interaction between the dominant idea of the time (Zeitgeist) and architectural effect(work). This structure represents the unity of a dynamic relationship in which each component is involved in performance. Religious idea as a whole is the leader of the three ideas in each culture that are accompanied with forms creation by interaction with each other. The three ideas include: 1- Philosophical ideas, 2- Mystical ideas, 3- Political ideas that play an important role in creating artistic, architectural and literary works under influence of each other. Each of these ideas shows two kinds of belonging: natural and divine belonging and another belonging is resulted from historical circumstances that have been created in different historical periods. This study is an attempt to define the triple ideas and obtain some points from their impressionability in the sasanid period. projects in the study sample were used. Finally, examples of effective components of the solutions culture-based to successfully achieve urban regeneration projects.

Keywords: Religious, Philosophical, Mystical, and Political Idea, Architectural Effect, sasanid Era

* Corresponding Author: Email: Nasim_aiandehnegar@yahoo.com